

**HUMAN RIGHTS & ERADATION OF VIOLENCE ORGANIZATION**  
**Training and Empowerment of Young Advocates Professional Advocates in  
Afghanistan**

مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت  
آموزش و توانمند سازی وکلای جوان افغانستان

**حقوق و وضعیت اجتماعی زنان در ولایت دایکندی**

نویسنده: فهیمه بشارت و زلیخا نجاتی

ولایت دایکندی

سال ۱۳۹۹

۱. فهیمه بشارت فرزند گل محمد متولد سال ۱۳۷۵ هجری شمسی، دانش آموخته ای حقوق دانشگاه ناصر خسرو -ولایت دایکندی است. خانم بشارت یکی از اشتراک کننده های کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است.
۲. زلیخا نجاتی متولد ۱۳۷۷ دانش آموخته ای حقوق دانشگاه ناصر خسرو ولایت دایکندی است. خانم نجاتی یکی از اشتراک کننده های کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است.

## چکیده

حضور زنان در عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از موضوعاتی است که همیشه مورد پرسش جوامع بوده است. حقیقت این است که در گذشته های دور و حتی نزدیک، زنان را همانند مردان باور نداشتند که بتوانند در عرصه های مختلف فعالانه حضور داشته باشند. از زمان سقوط رژیم طالبان اگرچه زنان به بسیار خوبی توانستند خودشان را به اثبات برسانند؛ اما با آن هم کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. از آن جمله ولایت دایکندی با وجود اینکه زنان در این ولایت همه کاره اند با وجود این هم به جایگاهی که واقعا سزاوار آن هستند، نرسیده اند و این جای نگرانی است. یافته های تحقیق نشان می دهد که زنان افغانستان به ویژه زنان ولایت دایکندی نیز همسو با زنان جهان مبارزات آزادی خواهانه ای خویش را از قرن بیستم آغاز کرده و برای دریافت موقعیت در اجتماع و مشارکت سیاسی فعالیت کرده اند.

با وجودیکه بیشتر رژیم های سیاسی حضور زنان را در قانون گنجانیده اند، اما فضای سنتی حاکم، بیسوادی، فقر فرهنگی، عقب مانده گی اقتصادی و ناامنی هنوز سهم مساوی آنان را در جامعه به چالش کشیده است. در کل زنان از جایگاه خوبی در جامعه به ویژه ولایاتی که نسبتاً کم توجه است، برخوردار نیست و همواره حقوق این قشر پایمال شده و به حق و حقوق که سزاوارشان اند نمی رسند که از جمله حق تعلیم، تحصیل، تصمیم گیری و غیره می باشد. زنان در دایکندی دو نقش هم مرد و هم زن را بازی می کنند؛ یعنی زراعت، مالداري قسمت زیادی اقتصادی بر دوش زنان در دایکندی می باشد که می توانند به خوبی آنرا مدیریت کنند. که خود نشان دهنده اینست که زنان ناتوان نبوده بلکه نیمی از پیکر جامعه را ساخته و دارای توانمندی های است که حتی در وجود بسیاری از مردان دیده نمی شود و باید به آن احترام گذاشت. زنان نه تنها در دایکندی با کشت و زرع امرار معاش کرده و از این طریق برای خود و فامیل خود روزی حلال دریافت می کنند بلکه پسران ویا دختران شان که در خارج از این ولایت مشغول تعلیم ویا تحصیل هستند، آنان را نیز حمایت می کنند.

واژگان کلیدی: زنان، اجتماع، جایگاه اجتماعی

## مقدمه

در طول تاریخ بشر، زنان همگام با مردان در تمام ابعاد زندگی حضور داشته و در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در کنار مردان نقش مؤثری ایفا نموده اند. با توجه به این مطلب متأسفانه این قشر بزرگ از جامعه همواره، مورد بی مهری‌ها و نابسامانی‌ها قرار گرفته به حقوق، موقعیت و منزلت زن به آن گونه که باید باشد، توجه صورت نگرفته است. بحث تساوی جنسیتی و مشارکت اجتماعی زنان در بسیاری از جوامع، به ویژه جوامع رو به توسعه، مورد پذیرش جامعه واقع گردیده است. اما هنوز هم به صورت یک معضل در کشورهای جهان سوم همانند افغانستان باقی مانده است. از آن جمله ولایت دایکندی با وجود اینکه زنان در این ولایت همه کاره اند با وجود این هم به جایگاهی که واقعا سزاوار آن هستند، نرسیده اند.

حقوق اجتماعی، جایگاه مهمی در اندیشه های سیاسی، فقهی، حقوقی و مدیریت های اقتصادی و اجتماعی دارد. در دین مبین اسلام، از همان آغاز شکل گیری، چه در نصوص و چه در عمل و سیره ای پیشوایان دین، اهمیت حقوق اجتماعی به لحاظ حفظ کرامت انسانی و تأمین بنیان های جامعه ی سالم دینی یادآور شده و برای آن، نظام خاص حقوقی و اجرایی طراحی شده است. همچنان این حقوق در اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشور ها به طور کلی مورد توجه قرار گرفته است.

زنان در تاریخ بشر مخصوصاً در کشور ما جفاها، ستم‌ها و محرومیت های بسیاری کشیده و به طور خاص در همه عرصه ها مشکلات فراوانی داشته و در واقع از حق مسلم خود در این عرصه ها محروم مانده اند. ولایت دایکندی با وجود اینکه فاصله ای نه چندان دوری از مرکز دارد با آن هم شرایط زنده گی برای زنان مشکل است در این ولایت اوضاع چندان خوب اجتماعی ندارند. مشکلات زنان در این تنها در خانه خلاصه نمی شود آنها با وجودیکه در خانه مشکلات زیادی دارند و مسؤولیت خانه داری را بر دوش می کشند، در امورات بیرونی نیز سهم فعال دارند، فقر، تنگدستی و بیکاری که فراگیر باشندگان این ولایت می باشد زنان را وادار به کشت و کار در زمین های بیرونی می کنند. این مقاله که تحت عنوان اوضاع اجتماعی زنان در ولایت دایکندی ترتیب گردیده است، جایگاه زنان افغانستان به خصوص جایگاه زنان دایکندی را به رشته ای تحریر در آورده است. مقاله حاضر در باره اوضاع اجتماعی زنان در ولایت دایکندی از نوع تحلیلی- توصیفی ترتیب گردیده و به لحاظ روش شناسی، تحقیق کتابخانه ای است. آنچه که در نتیجه ای این تحقیق بدان دست یافته ایم اینست که رشد و افزایش نقش اجتماعی زنان یکی از موضوعات مهمی است که در حوزه های گوناگون علوم اجتماعی و سیاسی به آن دقت ویژه صورت گرفته است.

## مبحث اول: حقوق اجتماعی زنان در قوانین افغانستان

زن در تاریخ بشر مخصوصاً در کشور ما جفاها، ستمها و محرومیت‌های بسیاری کشیده و به طور خاص در همه عرصه‌ها مشکلات فراوان داشته و در واقع از حق مسلم خود در این عرصه‌ها محروم مانده است. امروز خوشبختانه قوانین کشور ما تا حدی این مشکلات را رفع نموده است و در قوانین کشور ما زنان مانند مردان از همه حقوق خود در اجتماع برخوردار هستند در تعالیم اسلامی نیز حقوق و تکالیف زن به طور بسیار عادلانه و واقع بینانه تنظیم گردیده است. البته ممکن است تفسیرها و قراعت‌های متحجرانه هم وجود داشته باشد که زن را در چهاردیواری خانه محبوس نگهداشته و از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم گرداند، اما احکام کتاب، سنت و از همه مهم تاریخ زنده ای اسلامی و سیره ای مسلمانان با این نوع تفسیرها کاملاً مغایرت دارد.

در قوانین افغانستان به خصوص در قانون اساسی از جمله مهمترین حقوق زنان افغانستان بیان شده است که شامل حق مهر، حق ارث، حق نفقه، حق کار، حق آموزش، حق حیات، و حق تشکیل خانواده، حق مشارکت سیاسی زنان، حق آزادی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند. و در قوانین بین المللی همچنان حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان را به رسمیت شناخته و کشور های عضو را مکلف می سازد تا در قوانین داخلی نیز این حقوق را به رسمیت شناخته و برای استفاده از حقوق اساسی و اجتماعی اقدامات لازم را اتخاذ نمایند. که در اینجا به بعضی از مصداق های مهم این حقوق پرداخته می شود.

### گفتار اول: عرصه ای سیاسی

مشارکت سیاسی عبارت از شرکت در فرایندهای سیاسی است که به گزینش رهبران سیاسی می انجامد و سیاست عمومی را تعیین می کند یا بر آن تأثیر می گذارد، این فعالیت به صورت داوطلبانه، مستقیم و غیر مستقیم انجام می پذیرد. مشارکت سیاسی در برخی تعاریف به مصابه ای یک حق مورد توجه قرار گرفته است و مشارکت همگان در تعیین سرنوشت سیاسی و اداره ای امور جامعه یکی از پایه های دموکراسی است. که زنان نیز در این مشارکت شامل می گردند. از همین جهت در کنوانسیون سیدا در دو بعد داخلی و بین المللی به تساوی حقوق سیاسی برای زنان پرداخته شده است.

حقوق سیاسی یکی از مهمترین حقوق به رسمیت شناخته برای زنان برابر با مردان، در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می باشد که از اهمیت خاص و ویژه ی برخوردار است. زنان می توانند مانند مردان در پروسه های انتخابات، تشکیل احزاب سیاسی، قدرت سیاسی، در حکومت داری، و تظاهرات سهم بگیرند.

در ماده ۷ کنوانسیون سیدا، چنین بیان شده است: دولت های عضو کنوانسیون موظف اند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند.

۱- حق رای دادن در همه انتخابات و همه پرسى های عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگان های که با انتخابات عمومی برگزیده می شوند.

۲- حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن پوست های دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی.

۳- حق شرکت در سازمان ها و انجمن های غیر دولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور.

### گفتار دوم: عرصه ای اجتماعی

حقوق اجتماعی، جایگاه مهمی در اندیشه های سیاسی، فقهی، حقوقی و مدیریت های اقتصادی و اجتماعی دارد. در دین مبین اسلام، از همان آغاز شکل گیری، چه در نصوص و چه در عمل و سیره ای پیشوایان دین، اهمیت حقوق اجتماعی به لحاظ حفظ کرامت انسانی و تأمین بنیان های جامعه سالم دینی یادآور شده و برای آن، نظام خاص حقوقی و اجرایی طراحی شده است. هم چنان این حقوق در اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها به طور کلی مصادیق آن مورد توجه قرار گرفته اند از جمله:

## ۱- حق کار

از میان حقوق بشری زنان، حق اشتغال یکی از مهمترین حقوق آنان محسوب می گردد، زیرا حق اشتغال به عنوان یکی از منابع اجتماعی در افزایش قدرت زنان سهم زیادی دارد. اما آنچه مسلم است میان زنان و مردان در دسترسی به این منبع همانند سایر منابع تفاوت چشمگیری در جوامع وجود دارد. همچنان زنان برای بهره گیری از این حق، نسبت به مردان بنا به دلایل مختلف تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی با مشکلات بیشتری مواجه بوده اند. تبعیض در استخدام و اشتغال و دسته بندی مشاغل به زنانه و مردانه موجب شده است که زنان اغلب در مشاغل آموزشی، صحتی و خدمات شاغل باشند و تنها درصد کمی، از مشاغل صنعتی را به خود اختصاص دهند. همچنین تبعیض در آموزش های حرفه ای و ارتقاء سبب شده است که زنان کمتر موفق به دست یافتن با مشاغل مدیریتی و عالی شوند و اغلب به کارهای پایین تر اکتفا کنند.

از همین جهت کنوانسیون سیدا، حقوق کار زنان را نیز مورد بررسی و توجه قرار داده است. در مقدمه ای کنوانسیون اعلام می دارد: اعمال تبعیض به هر نحوی علیه شغل زنان، ناقص اصل برابری و احترام به شخصیت بشر است و بر علاوه مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می شود. و از کامیابی ها و موفقیت های جامعه و خانواده ممانعت به عمل می آورد. همچنین در ماده ۱۱ کنوانسیون در خصوص حقوق شغلی زنان چنین بیان می دارد:

۱. حق کار به عنوان حق لاینفک، تمام افراد بشر
۲. حق استفاده از فرصت های استخدام یکسان، از جمله اعمال ضوابط یکسان برای استخدام
۳. حق انتخاب آزادانه تخصیص و پیشه، حق ارتقای مقام، امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمت و حق استفاده از آموزش و باز آموزی حرفه ای از جمله شاگردی، دوره های آموزش حرفه ای پیشرفته و آموزش مکرر
۴. حق دریافت دست مزد و مزایایی برابر و برخورداری از رفتار برابر برای انجام کار، کار با ارزش برابر، همچنین رفتار برابر در ارزیابی کیفیت کار
۵. حق استفاده از بیمه های اجتماعی به ویژه در دوران تقاعد، بیکاری، بیماری، معلولیت و پیری و سایر موارد از کار افتادگی، نیز حق استفاده از رخصتی استحقاقی
۶. حق حفظ سلامتی و امنیت در محیط کار، از جمله حمایت از وظیفه تولید مثل. (کنوانسیون سیدا،

(۱۹۷۹)

## ۲- حق آموزش

کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان به تبع از اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از جمله مهمترین حقوق به رسمیت شناخته شده زنان را، حق مساوی آموزش با مردان می داند. حق آموزش یکی از حقوق ماهوی و اساسی برای دختران مانند پسران می باشد که دولت افغانستان متعهد است تا مکلفیت خویش را جهت تضمین این حق اساسی اداء نماید.

- ❖ زنان باید از حقوق یکسان در قسمت حرفه و فن، دسترسی به آموزش و دریافت شهادت نامه در همه انواع مؤسسات آموزشی در مناطق شهری و روستایی دارا باشند، این تساوی باید در آموزش قبل از مکتب، آموزش عمومی، فنی و تخصصی و آموزش عالی فنی، و نیز و در همه دوره های آموزش حرفه ای تضمین شود.
- ❖ دسترسی به برنامه درسی یکسان، امتحانات یکسان، معلمین دارای مهارت ها و صلاحیت های یکسان و محل ها و امکانات آموزشی با کیفیت یکسان.
- ❖ از بین بردن هر گونه مفهوم کلیشه ای حقوق زن و مرد در همه سطوح و همه اشکال از طریق تشویق، آموزش مختلط و سایر روش های آموزشی که رسیدن به این هدف را ممکن می سازد و به ویژه با تجدید نظر در کتاب های درسی و برنامه های آموزشی مکاتب و متناسب ساختن روش های آموزشی.
- ❖ فرصت های یکسان برای استفاده از بورس ها و سایر مزایایی تحصیلی.
- ❖ فرصت های یکسان برای دستیابی به برنامه های مربوط به ادامه تحصیل، از جمله برنامه های سواد آموزی بزرگ سالان و سواد آموزی علمی، به ویژه برنامه های با هدف کاهش هر چه سریعتر خلاء آموزشی موجود بین زنان و مردان.
- ❖ کاهش میزان ترک تحصیل دختران و تنظیم برنامه ها برای دختران و زنان که پیش از وقت مکتب را ترک کردند.
- ❖ امکانات یکسان برای شرکت فعال زنان در ورزش و تربیت بدنی.
- ❖ دسترسی به اطلاعات آموزشی مشخص برای تضمین سلامتی، تندرستی خانواده از جمله اطلاعات و راهنمایی در مورد تنظیم خانواده. (نهاد تحقیقاتی زنان و اطفال، ۱۳۹۷، ص ۴۴-۴۵)

### ۳- حق ازدواج و تشکیل خانواده

بر اساس کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، زن و مرد در امر ازدواج و ادامه آن حتی در جدایی، از حقوق برابر و یکسان برخوردار اند. گرچند قوانین بسیاری از کشورها در اغلب موارد از جمله در حق ازدواج بر نابرابری حقوق زن و مرد تأکید دارند، که این نابرابری در امر ازدواج، طلاق، حضانت طفل و سایر روابط خانوادگی مشاهده می گردد. در کشورهای اسلامی این نابرابری مطابق ارزش های دین اسلام تبعیض تلقی نمی شود. بلکه برابر با اصول و عدالت می باشد. (نهاد تحقیقاتی زنان و اطفال، ۱۳۹۷، ص ۴۸).

#### گفتار سوم: عرصه ای اقتصادی

زنان در عرصه اقتصادی از حقوق زیر برخوردار اند.

##### ۱. حق مهر

مهر یکی از حقوق اقتصادی انحصاری زنان است که به مردان تعلق نمی گیرد. به این معنی که یکی از طرق بدست آوردن پول و یا جنس با ارزش و قیمت گرفتن، مهر گرفتن زنان از مردان است. ماده ۱۱۰ قانون مدنی صراحت دارد که: "مهر، ملکیت زوجه محسوب می گردد. زوجه می تواند در مهر خود هر نوع تصرف مالکانه بنماید. در ضمن هیچ کس نمی تواند به اکراه و جبر زوجه را مجبور نماید تا قسمت یا تمام مهر خویش را به زوج حبه نماید." چنانچه این

موضوع در ماده ۱۱۴ قانون مدنی چنین وضاحت یافته است: "زوجه مجبور گردانیده نمی شود، تا کل یا قسمت از مهر خود را به زوج یا شخصی دیگری واگذار شود".

## ۲. حق میراث

ارث یکی از اسباب ملکیت است که برای یک شخص با مرگ شخص دیگر یا از طریق نسب و یا از طریق سبب به وجود می آید. ارث در افغانستان و اکثر کشورهای اسلامی از این لحاظ که برگرفته شده از احکام شریعت اسلامی می باشد، زن و مرد در سهم الارث با هم بسیار تفاوت دارند، در حالی که به اساس کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مرد و زن در کسب و انتقال مالکیت چی به صورت رایگان و در برابر قیمت حقوق برابر دارند.

بر اساس قانون مدنی و احوال شخصیه اهل تشیع، سهم زوجه نصف سهم زوج قرار داده شده است.

بر اساس ماده ۲۰۰۷ قانون مدنی سهم زوج و زوجه هر یک دو حالت دارد:

الف: زوج نصف ترکه را به شرط می برد، در صورتیکه زوجه متوفی فرزند نداشته باشد.

ب: زوج ربع یا یک چهارم حصه را می برد در صورت که زوجه فرزند داشته باشد.

## ۳. حق نفقه

نفقه یکی از حقوقی مالی و اقتصادی زن بر عهده مرد در دوران زندگی مشترک می باشد این مسأله بر اساس قانون مدنی و قانون احوال شخصیه اهل تشیع تصریح شده است. قانون مدنی افغانستان در تعریف نفقه چنین می نگارد: نفقه زوجه مشتمل است بر طعام، لباس، مسکن و تداوی مناسب به توان مالی زوج. قانون احوال شخصیه هم نفقه را به عهده مرد قرار داده است. بر اساس مواد ۱۲۳، ۱۶۳ و ۱۶۴ قانون احوال شخصیه و اهل تشیع حقوق و تکالیف زوج موارد ذیل است که شامل تأمین مسکن و نفقه هم می شود.

✓ سرپرستی از امور خانواده حق زوج است مگر اینکه برای این حق مانع وجود داشته باشد. همچنان تأمین نفقه زن و فرزندان به عهده مرد است.

✓ تأمین مسکن برای زن از جمله تکالیف مرد است که زن را مکلف به اقامت در آن منزل نموده است مگر اینکه این امر موجب زیان به زن باشد.

البته بر اساس ماده ۱۲۴ زن می تواند این حق را در شرایط ضمن به خود اختصاص دهد.

✓ تأمین نفقه که شامل غذا، لباس و ادویه لازم و متعارف می شود هم از جمله تکالیف مرد می باشد.

بر اساس ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، حق سرپرستی مردان نسبت به زنان و مجبور بودن زنان برای اقامت در مسکن که شوهر مهیا می کند تبعیض علیه زنان شمرده می شود و دولت افغانستان ملزم به اصلاح این موارد می باشد، مگر اینکه افغانستان در این موارد از راه های قانونی اعمال حق، شرط و تحفظ نماید هر چند افغانستان این فرصت را از دست داده است زیرا افغانستان این کنوانسیون را بدون کدام شرط امضا نموده است. (نهاد تحقیقاتی زنان و اطفال، ۱۳۹۷)

## مبحث دوم: وضعیت اجتماعی زنان افغان

این مبحث در دو گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### گفتار اول: جایگاه اجتماعی زنان در افغانستان

در یک نگاه کلی با گذشت یک دهه از استقرار نظام جدید سیاسی حضور جامعه جهانی در کشور در حمایت از حکومت داری خوب، تأمین حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک، حاکمیت ملی و مبارزه با تروریسم و هراس افگنی و فراهم آوری زمینه صلح و ثبات در کشور، چنین به نظر می‌رسد که هنوز این اهداف نه تنها دور از دسترس قرار دارند بلکه با طرح موضوع خروج نیروهای خارجی از کشور در سال ۲۰۱۴، باورمندی به پیشرفت و تحقق اهداف یاد شده روز به روز کمتر می‌شود. (صبوری و شاهی، ۱۳۹۰)

اما آنچه نگرانی‌ها را در این راستا افزایش داده است وضعیت زنان در کشور می‌باشد. که به یک ولایت یا ولسوالی محدود نمی‌گردد. هرچند وضعیت کلی زنان در کشور از لحاظ حقوق سیاسی و اجتماعی و به معنی کلی تر یا جامع تر وضعیت حقوق بشری آنها در طول تاریخ کشور قابل قبول اکثریت نبوده که همواره از این سبب شکایت‌های در پی داشته و خواهد داشت و ستم‌ها و خشونت‌های تکان دهنده و فاجعه بار را همراه بوده است ولی با وجود آمدن نگرانی‌های یاد شده احتمال می‌رود که با همین اندک دست آورد‌های چند سال گذشته که بسیار شکننده و آسیب پذیر هم می‌باشد وضعیت زنان کشور بیش از گذشته دچار بحران و فاجعه گردد. وضعیت نگران کننده کشور در باره دست‌یابی به حقوق بشری شهروندان، به ویژه زنان تا آنجایی شدت یافته است که سازمان ملل متحد در گزارشی از دولت افغانستان به دلیل اجرای محدود قانون محو خشونت علیه زنان انتقاد نموده است.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، از جمله ۲۲۹۹ مورد خشونت علیه زنان که در یک دوره زمانی بین ماه مارچ ۲۰۱۰ تا نیمه ای سال ۲۰۱۱ در افغانستان ثبت گردیده است تنها به ۲۶ درصد این موارد با در نظر داشت قانون محو خشونت علیه زنان، رسیدگی صورت گرفته است. در این گزارش همچنان به رسیده گی ۷ درصدی مجازات عاملان خشونت علیه زنان توسط محاکم کشور نیز اشاره شده است. تهدید پرخاشگری فزینگی، قتل، اختطاف، تعقیب، توهین، آزارهای خیابانی در جامعه از موارد دیگری است که هر زن این سرزمین اگر بخواهد در زنده گی اجتماعی سهمی داشته باشد با آن روبرو شده و ناگزیر آنرا تحمل کرده و به کار خود ادامه دهد. وضع نظام قضایی و پیروی از سنت‌های قبیله ای و عرف‌های ناپسند اجتماعی در بسیاری از ولایات و حتی مرکز کشور روز بروز روند زن ستیزی و نقض حقوق و قوانینی که بر مصوونیت قانون آنان تأکید دارد، را تقویت می‌نماید.

طبق گزارش‌های نهاد‌های مدافع حقوق زنان، خودکشی زنان در سال جاری به شکل نگران کننده ای افزایش یافته است. طبق گزارش‌ها در بهار سال ۱۳۹۰ تا کنون ۱۵۰ زن در ولایت هرات برای نجات از خشونت و شیوه‌های نقض کننده قانون منع خشونت علیه زنان دست به خودکشی زده اند. و عدم پیگیری عاملین این خشونت‌ها باعث گسترش این خشونت‌ها شده است. (صبوری و شاهی، ۱۳۹۰)

### گفتار دوم: نادیده گرفتن حقوق زنان در بسیاری از امورات کشور

می‌توان گفت که در دوران اخیر موضوع حقوق و پایگاه اجتماعی زنان در هیچ کشوری به اندازه افغانستان چه در سطح سیاسی و چه در زمینه ی اجتماعی آن مورد مشاجره نبوده است. این مسأله حتی به شکل گسترده تری در سطح بین المللی در قالب «آزادسازی زنان» از ظلم و ستم طالبان، به عنوان یکی از توجیهات مداخله نظامی به رهبری آمریکا در



سال ۲۰۰۱ مطرح شد (عبدالولی، ۱۳۹۵، ص ۱۲). پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت های جدید تا کنون، «حقوق زنان افغان» به نماد پیشرفت و توسعه و همچنین شاخصی برای ارزیابی موفقیت تلاش های جامعه بین المللی در افغانستان مبدل شده است.

در طول ۱۶ سال گذشته البته تلاش های صورت گرفته و بهبودهای حاصل شده در زمینه ی حقوق زنان در جامعه افغانستان غیر قابل انکار است؛ به عنوان مثال قوانین، پالیسی ها و استراتژی های زیادی همچون استراتژی جندر، استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۱۳۹۱-۱۳۸۷، پلان کاری ملی برای زنان افغانستان ۱۳۹۷-۱۳۸۷ و اخیراً استراتژی ملی مبارزه با خشونت در برابر زنان با هدف بهبود وضعیت زنان افغان و تأمین برابری جنسیتی تدوین شده و برنامه های حمایتی متعددی نیز از سوی نهادهای بین المللی کمک رسان در این راستا مورد تطبیق قرار گرفته است (به عنوان نمونه از «پروموت» به عنوان بزرگترین برنامه توانمند سازی زنان در افغانستان از ابتدای تأسیس USAID یاد شده است). همچنین حضور زنان و دختران در مدارس، دانشگاه ها و اماکن عمومی حداقل در سطح شهرهایی بزرگی چون کابل نسبت به گذشته هر چه بیشتر قابل مشاهده است. (عبدالولی، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

## مبحث سوم: وضعیت اجتماعی زنان در ولایت دایکندی

ولایت دایکندی که در مرکز افغانستان موقعیت دارد و با ولایات بامیان، غور، غزنی، ارزگان و هلمند متصل است. این منطقه دارای آب و هوای متنوع، گرم و سرد، ارتفاعات و پستی‌های اندک و جلگه‌های سرسبز بوده و به صورت عموم کوهستانی است. اوضاع اجتماعی زنان در ولایت دایکندی با چالش‌های روبرو است. از هیاهوی زندگی شهری و ساختمان‌های بلند و رنگ آمیزی شده‌ای آن خبری نیست تا چشم کار می‌کند کوه‌های پست و بلند بر زمین روییده است. زنده‌گی زنان در دایکندی تنها در خانه خلاصه نمی‌شود، آنها با وجودیکه در خانه مشکلات زیادی دارند و مسؤولیت خانه داری را بر دوش می‌کشند، در امورات بیرونی نیز سهم فعال دارند، فقر، تنگدستی و بیکاری که فراگیر باشندگان این ولایت می‌باشد زنان را وادار به کشت و کار در زمین‌های بیرونی می‌کند. زنان در این ولایت همه‌کاره اند و مردان آنها یا برای تحصیل در مرکز هستند و یا هم مهاجر هستند. به استثنای کارهای شاقه همه امور زراعتی در کنار سایر فعالیت‌ها به دوش زنان این ولایت است و زنان گرداننده‌های اصلی چرخه‌ای اقتصادی این ولایت هستند.

دایکندی ولایت به شدت کوهستانی است و زمین‌های هموار برای کشاورزی ندارد بیشتر جوانان (دختر و پسر) این ولایت در حال تحصیل هستند و خانواده‌های شان مجبور به حمایت از آن‌ها از هر طریق ممکن می‌باشند. در کنار این ریاست زراعت این ولایت برای ۶۰۰ خانم در شش ولسوالی باغچه‌های خانگی ایجاد کرده است و زنان با سرگرم بودن در زراعت امرار معاش کرده و هم به خانواده‌های شان کمک می‌نمایند. بر اساس گزارش‌های که وجود دارد، ریاست اقتصاد دایکندی می‌گوید که ۷۰ درصد زنان در بخش‌های اقتصادی فعالیت دارند. اما سخنگوی والی این ولایت و رئیس امور زراعت نقش زنان را از این بیش‌تر می‌داند که این خود نمونه از پشت‌کار زنان در ولایت دایکندی می‌باشد. (خاوری، ۲۰۱۸، ص ۴۸-۴۹)

### گفتار اول: وضعیت معیشتی (بحث اقتصادی)

وضعیت معیشتی زنان در دایکندی با چالش‌های زیادی روبرو است از یک سو زنان نقش و وظایف مضاعف با مردان دارند و از سوی دیگر مردان هم به دلیل ضعف فرهنگی و هنجاری هیچ‌گونه همکاری با آنها نمی‌کنند. به نقل قول از آژانس پژوهش‌ها، ریاست امور زنان دایکندی می‌گوید: با آنکه اکثر زنان در این ولایت مجبور به انجام کارهای شاقه‌اند، مردان نیز به دلیل ضعف فرهنگی زنان را در پیشبرد امور منزل یاری نمی‌رسانند.

بر علاوه مشکل اساسی دیگر اینست که آنها با تقبل تمام مشکلات و کار در عرصه‌ی زراعت، درآمد‌های ناچیزی دارند که باعث می‌شود این زنان با وجود سخت‌کار کردن و تلاش کردن باز هم در یک سطح رفاه حد اقلی به سر ببرند. چنانچه روزنامه هشت صبح نگاشته است: اکثریت زنان در این ولایت مشغول زراعت‌اند و از این راه برای امرار معیشت خود استفاده می‌کنند که درآمد ناچیز داشته و با آن می‌توانند زنده‌گی بسیار ساده را بگذرانند. (خاوری، ۲۰۱۸، ص ۴۸-۴۹)

### گفتار دوم: آموزش و پرورش

حق آموزش شامل مسؤولیت فراهم‌آوری آموزش مقدماتی برای افرادی است که آموزش ابتدایی را نگذرانده‌اند. علاوه بر این دسترسی به ملاحظات آموزشی، حق آموزش در بر دارنده الزام به محو تبعیض در همه سطوح نظام آموزشی و بهبود کیفیت آموزش است. در حال حاضر ۱۶۳ هزار دانش‌آموز که ۴۴ درصد آنها دختر‌اند در مکتب‌های دایکندی

به شکل غیر معیاری آموزش می بینند. کمبود معلمان زن یکی دیگر از دشواری های مکتب ها به ویژه مکتب های دخترانه است. شماری از ساختمان هایی که در سالهای اخیر برای مکتب های دایکندی ساخته شده، نیمه کاره رها شده اند. با وجود چنین مشکلاتی که در دایکندی وجود دارد اما این ولایت از امنیت نسبتاً خوب برخوردار است تا هنوز مکتبی در این ولایت به دلیل مشکلات امنیتی مسدود نشده است. (عبدالولی، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

#### **گفتار سوم: محدودیت های ساختاری و هنجاری**

مردان افغانستان اکثراً جایگاه زنان را فروتر از خود می بینند و اغلب با زنان برخورد انسانی نمی کنند این نگرش ها و رفتار مردان در جامعه ای افغانستان برای درک کنده از پیشرفت زنان در افغانستان مهم است. نهاد های دینی و فرهنگی در جامعه به اشکال گوناگون گفتمان های محافظه کارانه راجع به زنان را خلق و حفظ می کنند و با برخوردهای ارزش گرایانه مردانه محدودیت های را برای پیشرفت زنان وضع می کنند، اینکه زنان چی نقشی در اجتماع داشته باشند، چگونه زنده گی کنند و چگونه در حوزه های عمومی و خصوصی ظاهر شوند. خشونت و محدودیت فراره زنده گی زنان عمدتاً با اینگونه قاعده ها توجیه می شوند.

از سوی دیگر، نهاد خانواده که مهمترین نهاد اجتماعی است هم تحت سلطه ای مردان قرار دارد. این مشکل بر زنده گی زنان تأثیر نامطلوب می گذارد. در خانواده های افغانی تنها مردان صلاحیت تصمیم گیری دارند. به عبارت دیگر قدرت تصمیم گیری در نظام خانوادگی جامعه ای افغانستان سلسله مراتبی است که زنان در پایین ترین سطح آن قرار دارند. (عبدالولی، ۱۳۹۵، ص ۱۴)

#### **گفتار چهارم: آزار و اذیت های خیابانی**

از دشواری های دیگر حضور اجتماعی زنان در جامعه افغانی آزار های خیابانی است. این پدیده هر روز در زنده گی زنان تکرار می شود. خیابان آزاری بیشتر در کابل و شهر های بزرگ دیگر رایج است. تفکیک اجتماعی شدید در مکتب ها، ارتباط اندک میان دو جنس، ابهام و ضعف حاکمیت قانون، زمینه ای بیشتری برای ادامه این معضل اجتماعی فراهم کرده است.

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان بر علاوه این که با مردان گفتگو کرده است. محدودیت های زنده گی زنان را در نهاد های مهم اجتماعی مانند خانواده، دین، و بازار نیز به بحث گرفته است. تحقیقی که توسط این سازمان زیر عنوان (حقوق زنان از نگاه مردان) منتشر شده، نشان می دهد که به دلیل افزایش نهاد های اسلام گرا و تعدد مدارس دینی خارج از کنترل دولت مشارکت زنان در اجتماع با چالش هایی مواجه شده است. (امیری، ۲۰۱۹)

#### **گفتار پنجم: راه حل برای این نابسامانی ها**

سه دهه جنگ تأثیر عمیقی بالای مشکلات روانی - اجتماعی مردم افغانستان گذاشته است تعداد از مردم یا مهاجر شدند و یا هم به مشکلات روانی سر دچار شدند و تعدادی هم به دخانیات رو آورده اند. افغانستان کشور مرد سالار بوده که کمتر اهمیت به جایگاه زنان در جامعه قایل است. سطح پایین تحصیل یکی دیگر مشکلات مردم بوده که به این پدیده توجه نکرده و هم آگاهی نداشتن درست از دین مبین اسلام باعث شده تا مرد سالاری در افغانستان به اوج خود برسد. لذا راه حل به این نابسامانی ها تقویت قشر جوان جامعه هم از لحاظ تحصیل و هم از لحاظ دینی باعث می شود تا زنان جایگاه خود را در جامعه ای کنونی به دست بیاورند. با وجود آنکه بعد از سقوط رژیم طالبان روز به روز این وضعیت رو به

بهبود روان بوده اما با آن هم قابل قبول نیست و در بسیاری از ولایات حقوق انسانی این قشر زیر پا می شود. دولت، خانواده و جامعه نقش مستقیمی در بهبود این پدیده داشته که اگر توجه جدی صورت گیرد با گذشت زمان بهتر خواهد شد.

[www.af.shafaqna.com](http://www.af.shafaqna.com)

سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی افغانستان و مدافعان حقوق زن با وجود اینکه در این رابطه بسیار حرف ها را رد و بدل نموده اند لیکن کارکرد شان قابل قبول نبوده و سبب نارضایتی های بسیاری شده اند. لذا به این حرف ها باید جامه ی عمل پوشانید تا باشد روزی حق هیچ زن در سراسر کشور تلف نشده و هر دو قشر به ویژه زنان به حق و حقوق انسانی و اساسی خود برسند.

## نتیجه گیری

زنان نیمی از پیکر جامعه را میسازند و نظر به شرایط کنونی از وضعیت چندان خوبی برخوردار نیستند چون افغانستان یک کشور مرد سالار بوده بنابراین شرایط برای زنان بسیار ناگوار می باشد. امروز خوشبختانه قوانین کشور ما تا حدی این مشکلات را رفع نموده است و در قوانین کشور ما زنان مانند مردان از همه حقوق خود در اجتماع برخوردار هستند. در تعالیم اسلامی نیز حقوق و تکالیف زن به طور بسیار عادلانه و واقع بینانه تنظیم گردیده است. البته ممکن است تفسیرها و قرائت‌های متحجرانه هم وجود داشته باشد که زن را در چهاردیواری خانه محبوس نگهداشته و از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم گرداند، اما احکام کتاب، سنت و از همه مهم تاریخ زنده ای اسلامی و سیره ای مسلمانان با این نوع تفسیرها کاملاً مغایرت دارد.

در قوانین افغانستان به خصوص در قانون اساسی از جمله مهمترین حقوق زنان افغانستان بیان شده است که شامل حق مهر، حق ارث، حق نفقه، حق کار، حق آموزش، حق حیات، حق تشکیل خانواده، حق مشارکت سیاسی زنان، حق آزادی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می باشد. همچنان در قوانین بین‌المللی حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان را به رسمیت شناخته و کشور های عضو را مکلف می سازد تا در قوانین داخلی نیز این حقوق را به رسمیت شناخته و برای استفاده از حقوق اساسی و اجتماعی اقدام لازم را اتخاذ نمایند.

ولایت دایکندی با وجود اینکه فاصله نه چندان دوری از مرکز دارد با آن هم شرایط زنده گی برای زنان مشکل است در این ولایت اوضاع چندان خوب اجتماعی ندارند بسیاری از این قشر از نعمت تعلیم و تحصیل محروم می باشند و بعضی هم که می توانند به تعلیم ادامه دهند وضعیت اقتصادی خراب به آنان اجازه این را نمی دهد که به شکل درست به تعلیم خود ادامه دهند زنان در این سرزمین مشغول کشت و زراعت می باشند و مالداری پیشه ای اکثریت زنان دایکندی به شمار می رود.

زنان دایکندی در دو رول نقش عمده را بازی می کنند در خانه منحصیث مادر و یا همسر و در بیرون منحصیث نان آور خانه. مردان شان به خاطر کسب روزی حلال به شهرها رفته و مدت زیادی از خانواده خود نا آگاه هستند. هستند زنان که در امورات دولتی نیز سهم فعال دارند اما با آن هم تعداد شان اندک است، بناً از این تحقیق چنین نتیجه میگیریم که زنان فراتر از سهم خود نقش فعال را در جامعه بازی می کنند که متأسفانه چندان قابل توجه اکثریت نیستند در این صورت اگر به آنان زمینه فراهم گردد تا بتوانند به شکل درست تعلیم و تحصیل خود را به اتمام برسانند بدون شک به یک فرد فعال جامعه که از هر لحاظ مفید خواهد بود مبدل می شوند. اگر چه این اوضاع در افغانستان روز به روز به سوی بهتر شدن روان است اما با آن هم قابل قبول نبوده و زنان افغان به ویژه زنان دایکندی چشم به راه خوب شدن اوضاع اجتماعی برای خودشان هستند.

## پیشنهادات

۱. برای احقاق حقوق زنان قوانینی که وضع شده به صورت جدی تطبیق شود.
۲. دولت افغانستان و سازمانهای بین المللی از حقوق اساسی و اجتماعی زنان به صورت جدی دفاع نمایند.
۳. دولت افغانستان برای زنان زمینه های تحصیلی و شغلی را فراهم و ایجاد نماید.
۴. دولت افغانستان در تمام زمینه های سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای زنان سهم فعال و مساوی در نظر بگیرد.
۵. حکومت محلی دایکندی باید تلاش کند تا زمینه ای برای اشتغال زنان این ولایت در حوزه ای خصوصی فراهم سازد، تا بدینوسیله بتواند استقلال اقتصادی زنان را میسر سازد.
۶. حکومت محلی دایکندی باید از طریق تطبیق قانون منع خشونت و سایر قوانین نافذه ای کشور، از حقوق زنان این ولایت حمایت و حراست کند.
۷. حکومت باید زمینه های مناسبی را برای دسترسی زنان ولایت دایکندی به عدالت رسمی مهیا سازد.
۸. فعالان حقوق زن، جامعه مدنی، رسانه ها و قلم بدستان و فرهنگیان در جهت آگاهی دهی راجع به حقوق زنان در جامعه ی سنتی دایکندی از هیچگونه تلاش و دادخواهی های مؤثر مدنی و فرهنگی فروگذار ننمایند.
۹. بانوان دایکندی باید در جهت رشد ظرفیت های علمی و فرهنگی شان زحمت بکشند و با تلاش های دوامدار و مؤثر شان، در جهت بهبود اوضاع اجتماعی خود شان، پیکار و پیگیری داشته باشند.
۱۰. علما و متنفذین قومی باید به حقوق بانوان احترام قایل شوند و در جهت آگاهی دهی نسبت به امتیازات و حقوق خانم ها بسیج شوند و رسالت دینی و ایمانی شان را در دفاع از انسانیت و کرامت انسانی زن ادا نمایند.

## منابع

- ۱- قانون اساسی افغانستان، نمبر مسلسل ۸۱۸، مصوب ۱۳۸۲.
  - ۲- قانون منع خشونت علیه زنان، نمبر مسلسل ۹۸۹، مصوب ۱۳۸۸.
  - ۳- قطعنامه ۱۳۲۵، سازمان ملل متحد، انتشارات موسسه مجتمع جامعه مدنی افغانستان، ۱۳۹۱.
  - ۴- کنوانسیون رفع هرگونه اشکال تبعیض علیه زنان، سازمان ملل متحد، ۱۹۶۶.
  - ۵- بصیر، عبدالولی، دسترسی زنان به عدالت رسمی و عرفی، کابل، ۱۳۹۵.
  - ۶- صبوری، حبیب خسرو شاهی، روز نامه افغانستان ما، ۱۸ حوت ۱۳۹۰.
  - ۷- امیری، سکینه، روز نامه هشت صبح، ۲۳ جون، ۲۰۱۹.
  - ۸- خاوری، رحیمه، ۲۱ جون، ۲۰۱۸.
  - ۹- خیلواک، احمد امید، بی بی سی، ۲ جنوری، ۲۰۱۱.
- ۱۰- <http://www.dailyafghanistan.com/opinion>
- ۱۱- <http://^am.af/social-status-of-women-in-afghanistan>
- ۱۲- [www.af.shafaqna.com](http://www.af.shafaqna.com)